



A Jurisprudential-Legal Re-reading of Interaction with Domestic Opponents in the Iranian Legal System: Principles, Challenges, and Solutions* (With a Look at the Thought and Sira of Shahid Imam Khamenei)



Saeed Khodadadi¹ Abdolmatabeh Abdollah² Ali Rajabzadeh Almalo³

1. PhD, Assistant Professor, Level 4 Graduate of the Islamic Seminary of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

saidkhod1368@gmail.com

2. Associate Professor, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

abddolah_ab@yahoo.com

3. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

alirajabzadeh@atu.ac.ir

Abstract

This research aims to analyze the jurisprudential and legal capacities of the Iranian legal system in interacting with domestic opponents and to provide practical solutions for improving this interaction within the framework of Islamic and legal values. The central question is: How can existing capacities be utilized for the optimal management of disagreements and the creation of an environment based on justice, human dignity, and

* **Cite this Article:** Khodadadi, S., Abdollah, A., & Rajabzadeh Almalo, A. (2025). A Jurisprudential-Legal Re-reading of Interaction with Domestic Opponents in the Iranian Legal System: Principles, Challenges, and Solutions (With a Look at the Thought and Sira of Shahid Imam Khamenei). *Jurisprudence and Politics**, 6(2), pp. 67-97.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.73783.1107>

□ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

□ **Received:** 2025/04/15 • **Revised:** 2025/06/24 • **Accepted:** 2025/07/25 • **Published online:** 2025/10/02

© 2025



the copyright and full publishing rights

<http://ijp.isca.ac.ir>

civil participation? Employing an analytical-descriptive method and utilizing library and documentary resources, this study first addresses the conceptology and types of opposition, then examines the jurisprudential foundations for criticizing the government, and finally analyzes the legal capacities and challenges of the Iranian system, emphasizing principles of human dignity, legitimate freedoms, judicial guarantees, dialogue, and security. The findings indicate that Islamic jurisprudence (Fiqh), relying on Quranic verses and the practical tradition (Sirah) of the Imams (PBUH), offers ethical and reformative frameworks for interacting with opponents. Furthermore, the Iranian legal system, through constitutional principles (such as Articles 23, 24, and 27), provides capacities for protecting the rights of opponents, although challenges such as ambiguity in the limits of freedoms and a lack of formal platforms for dialogue remain. By distinguishing between legitimate and illegitimate criticism and considering Islamic teachings and the behavioral models of religious leaders, the results of this research propose practical solutions for optimizing interaction with domestic opponents, which can lead to a reduction in social tensions, the strengthening of national cohesion, and an increase in the civil participation of citizens.

Keywords

Domestic Opponents, Jurisprudential-Legal Interaction, Iranian Legal System, Human Dignity, Legitimate Freedoms.

**إعادة النظر في القراءة الفقهية-القانونية للتفاعل مع المعارضين الداخليين
في النظام القانوني الإيراني؛ المبادئ، التحديات، والحلول*
(بالنظر إلى فكرة الشهيد آية الله الخامني رحمه الله وسيرتها العملية)**



سعید خدادادی^۱ عبدالله عبدالمطلب^۲ علي رجب زاده آملو^۳

۱. دكتوراه تخصصية، أستاذ مساعد، خريج المستوى الرابع في الحوزة العلمية في قم، إيران (المؤلف المسؤول).

saidkhod1368@gmail.com

۲. أستاذ مشارك، كلية اللاهوت والدراسات الإسلامية، جامعة علامه طباطبائي، طهران، إيران.

abdollah_ab@yahoo.com

۳. أستاذ مساعد، كلية اللاهوت والدراسات الإسلامية، جامعة علامه طباطبائي، طهران، إيران.

alirajabzadeh@atu.ac.ir

الملخص

يهدف هذا المقال إلى تحليل القابليّات الفقهية والقانونية للنظام القانوني الإيراني في التعامل مع المعارضين الداخليين وتقديم حلول عملية لتحسين هذا التفاعل في إطار القيم الإسلامية والقانونية. يتمحور السؤال البحثي الرئيسي حول كيفية الاستفادة من القابليّات المتاحة للتحسين الأمثل للإدارة الخلافات في الرأي وخلق بيئة قائمة على العدالة والكرامة الإنسانية والمشاركة المدنية. اعتمدت هذه الدراسة المنهج التحليلي الوصفي وباستخدام المصادر المكتبية والوثائقية، حيث قامت أولاً بتحديد

* الاستشهاد بهذه المقالة: خدادادي، سعيد؛ عبدالمطلب، عبدالله؛ رجب زاده آملو، علي. (۱۴۰۴). إعادة النظر في القراءة الفقهية-القانونية للتفاعل مع المعارضين الداخليين في النظام القانوني الإيراني؛ المبادئ، التحديات، والحلول (بالنظر إلى فكرة الشهيد آية الله الخامني رحمه الله وسيرتها العملية). الفقه والسياسة، ۶(۲)، صص ۶۷-۹۷.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.73783.1107>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالمي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ۲۰۲۵/۰۴/۱۵ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۶/۲۴ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۷/۲۵ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۰/۰۲

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



المفاهيم وأنواع المعارضة، ثمّ بحثت في الأسس الفقهيّة لنقد الحكم، وأخيراً، حللت القابليّات والتحدّيات القانونيّة للنظام الإيراني مع التركيز على مبادئ الكرامة الإنسانيّة، والحريّات المشروعة، والضمانات القضائيّة، والحوار، وتأمين السلامة. تشير النتائج إلى أنّ الفقه الإسلامي، بالاعتماد على الآيات القرآنيّة والسيرة العملية للأئمّة (عليهم السلام)، قد قدّم أطراً أخلاقية وإصلاحية للتعامل والتفاعل مع المعارضين. كما أنّ النظام القانوني الإيراني، من خلال مبادئ الدستور (مثل المبادئ ٢٣ و ٢٤ و ٢٧)، قد وفر إمكانيّات لدعم حقوق المعارضين، على الرغم من استمرار وجود تحدّيات مثل الغموض في حدود الحريّات ونقص المنصات الرسميّة للحوار. تقدّم نتائج هذا البحث، ضمن ترسيم الحدود بين النقد المشروع وغير المشروع، وبالنظر إلى التعاليم الإسلاميّة والنموذج السلوكي للقادة الدينيين، حلولاً عملية لتحسين التعامل مع المعارضين الداخليين، مما يمكن أن يؤدي إلى تقليل التوترات الاجتماعيّة وتعزيز الانسجام الوطني وزيادة المشاركة المدنيّة للمواطنين.

الكلمات المفتاحية

المعارضون الداخليون، التفاعل الفقهي القانوني، النظام القانوني الإيراني، الكرامة الإنسانيّة، الحريّات المشروعة.

بازخوانی فقهی - حقوقی تعامل با مخالفان داخلی در نظام

حقوقی ایران؛ اصول، چالش‌ها و راهکارها*

(با نگاهی به اندیشه و سیره امام خامنه‌ای شهید رحمت‌الله علیه)

سعید خدادادی^۱ عبدالله عبدالمطلب^۲ علی رجب‌زاده آلمالو^۳

۱. دکترای تخصص، استادیار، دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

saidkhod1368@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

abddolah_ab@yahoo.com

۳. استادیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

alirajabzadeh@atu.ac.ir



چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل ظرفیت‌های فقهی و حقوقی نظام حقوقی ایران در تعامل با مخالفان داخلی و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود این تعامل در چارچوب ارزش‌های اسلامی و قانونی انجام شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های موجود برای مدیریت بهینه اختلاف‌نظرها و ایجاد فضایی مبتنی بر عدالت، کرامت انسانی و مشارکت مدنی بهره برد؟ این مطالعه با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، ابتدا به مفهوم‌شناسی و انواع مخالفت پرداخته، سپس مبنای فقهی نقد حاکمیت را بررسی کرده و در نهایت، ظرفیت‌ها و چالش‌های قانونی نظام ایران را با تأکید

* **استناد به این مقاله:** خدادادی، سعید؛ عبدالله، عبدالمطلب؛ رجب‌زاده آلمالو، علی. (۱۴۰۴). بازخوانی فقهی - حقوقی تعامل با مخالفان داخلی در نظام حقوقی ایران؛ اصول، چالش‌ها و راهکارها (با نگاهی به اندیشه و سیره امام خامنه‌ای شهید رحمت‌الله علیه). فقه و سیاست، ۶(۲)، صص ۶۷-۹۷.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.73783.1107>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۰۳ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



بر اصول کرامت انسانی، آزادی‌های مشروع، ضمانت‌های قضایی، گفت‌وگو و تأمین امنیت تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که فقه اسلامی با تکیه بر آیات قرآنی و سیره عملی ائمه علیهم‌السلام، چارچوب‌هایی اخلاقی و اصلاحی برای تعامل با مخالفان ارائه کرده است. همچنین، نظام حقوقی ایران از طریق اصول قانون اساسی (مانند اصول ۲۳، ۲۴ و ۲۷) ظرفیت‌هایی برای حمایت از حقوق مخالفان فراهم آورده، هرچند چالش‌هایی نظیر ابهام در حدود آزادی‌ها و کمبود بسترهای رسمی گفت‌وگو همچنان باقی است. نتایج این پژوهش ضمن مرزبندی میان نقد مشروع و نامشروع، با توجه به آموزه‌های اسلامی و الگوی رفتاری رهبران دینی، راهکارهایی کاربردی برای بهینه‌سازی تعامل با مخالفان داخلی پیشنهاد می‌دهد که می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی، تقویت انسجام ملی و افزایش مشارکت مدنی شهروندان منجر گردد.

کلیدواژه‌ها

مخالفان داخلی، تعامل فقهی حقوقی، نظام حقوقی ایران، کرامت انسانی، آزادی‌های مشروع.

مقدمه

تعامل حکومت با مخالفان داخلی، از مسائل بنیادین نظام‌های سیاسی، در اندیشه اسلامی و نظام حقوقی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. این موضوع، در تقاطع مبانی فقه سیاسی اسلام و اصول قانون اساسی، به مدیریت اختلاف نظرها، کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت انسجام ملی کمک می‌کند. فقه اسلامی با تکیه بر آیات قرآنی (مانند آیه ۱۱ سوره حجرات و آیه ۳۸ سوره شوری) و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، چارچوب‌هایی اخلاقی مبتنی بر کرامت انسانی و گفت‌وگوی سازنده ارائه می‌دهد. نظام حقوقی ایران نیز از طریق اصول قانون اساسی (مانند اصول ۲۳، ۲۴ و ۲۷)، آزادی‌های مشروع و ضمانت‌های قضایی را تضمین کرده، اما چالش‌هایی نظیر ابهام در حدود آزادی‌ها و کمبود بسترهای رسمی گفت‌وگو، ضرورت تحلیل عمیق این ظرفیت‌ها را آشکار می‌سازد. اهمیت این پژوهش در پیشگیری از تبدیل انتقادات به خصومت‌های اجتماعی و تقویت مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی است. در شرایط کنونی، که تنش‌های اجتماعی می‌توانند انسجام ملی را تهدید کنند، بررسی چارچوب‌های فقهی-حقوقی برای مدیریت اختلافات ضروری است. همچنین، فقدان مطالعات جامع که همزمان مبانی فقهی و حقوقی را تحلیل کند، خلأ پژوهشی قابل توجهی را نشان می‌دهد. نوآوری این پژوهش در رویکرد ترکیبی آن است که با تلفیق تحلیل فقهی و حقوقی، ضمن مرزبندی نقد مشروع و نامشروع، راهکارهای عملی مبتنی بر سیره رهبران دینی و رویکردهای شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام ارائه می‌دهد. هدف این پژوهش، تحلیل ظرفیت‌های فقهی و حقوقی نظام ایران در تعامل با مخالفان داخلی و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود این تعامل است. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان از این ظرفیت‌ها برای مدیریت اختلاف نظرها و ایجاد فضایی مبتنی بر عدالت و کرامت انسانی بهره برد؟ این مطالعه با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و ساختار آن شامل مفهوم‌شناسی مخالفت، بررسی مبانی فقهی نقد حاکمیت، و تحلیل ظرفیت‌ها و چالش‌های حقوقی نظام ایران با تأکید بر کرامت انسانی، آزادی‌های مشروع و گفت‌وگو است.

پیشینه

در راستای تبیین جایگاه مقاله حاضر با عنوان «بازخوانی فقهی-حقوقی تعامل با مخالفان داخلی در نظام حقوقی ایران؛ اصول، چالش‌ها و راهکارها»، تفاوت‌های آن با مطالعات پیشین به صورت خلاصه بررسی می‌شود:

غفاری، هدی (۱۳۸۵)، «حقوق مخالفان سیاسی در حکومت امام علی (ع)»: این مقاله بر سیره امام علی (ع) متمرکز است و تحلیلی تاریخی-فقهی ارائه می‌دهد. مقاله حاضر، ضمن استفاده از سیره علوی، نظام حقوقی معاصر ایران را نیز تحلیل کرده و راهکارهای عملی برای مدیریت اختلاف‌نظرها پیشنهاد می‌دهد.

قدرتی، فاطمه (۱۴۰۰)، «حقوق مخالفان سیاسی با عنایت به سیره حکومتی امیرمؤمنان علی (ع) و بازتاب آن در قانون اساسی»: این پژوهش بر بازتاب سیره علوی در قانون اساسی تمرکز دارد، اما کمتر به چالش‌ها و راهکارهای اجرایی می‌پردازد. مقاله حاضر، چالش‌هایی مانند ابهام در حدود آزادی‌ها را شناسایی و راهکارهای مشخصی ارائه می‌دهد.

کفیلی، رضا (۱۴۰۱)، «راهکارهای مواجهه با مخالفان سیاسی در حکومت اسلامی»: این مقاله بر جنبه‌های نظری و سیاسی متمرکز است، در حالی که پژوهش حاضر با رویکرد فقهی-حقوقی، ظرفیت‌های قانونی ایران و مرزبندی نقد مشروع و نامشروع را با معیارهای مشخص تحلیل کرده و راهکارهای کاربردی ارائه می‌دهد.

قادری، زینب (۱۳۹۷)، «حقوق و آزادی‌های مخالفان سیاسی در حکومت علوی و نظام حقوقی ایران»: این مقاله بر تبیین حقوق و آزادی‌ها تمرکز دارد، اما کمتر به چالش‌های اجرایی می‌پردازد. مقاله حاضر، ضمن تحلیل حقوق، موانع عملی را شناسایی و راهکارهایی برای رفع آن‌ها پیشنهاد می‌کند.

نوآوری مقاله حاضر در رویکرد ترکیبی آن است که با تلفیق تحلیل فقهی و حقوقی، الگویی عملی برای مدیریت اختلاف‌نظرها در نظام حقوقی ایران ارائه می‌دهد. این پژوهش، برخلاف مطالعات پیشین که به‌طور عمده نظری یا تاریخی هستند، چالش‌های عملی نظیر ابهام در حدود آزادی‌ها و کمبود بسترهای گفت‌وگو را شناسایی

کرده و راهکارهایی اجرایی مانند شفاف‌سازی مفاهیم، تقویت ضمانت‌های قضایی و ایجاد بسترهای نهادی پیشنهاد می‌دهد. تأکید بر سیره شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام به عنوان الگویی معاصر و مرزبندی دقیق نقد مشروع و نامشروع با معیارهای فقهی-حقوقی، از جنبه‌های متمایز این پژوهش است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تعریف منتقد و مخالف سیاسی

واژه «مخالف» در تحلیل مفهومی، اسم فاعل مشتق از باب مفاعله است و مصادر آن «المخالفة» و «الْخِلاف» هستند. این واژه در معنای اصلی خود به ناسازگاری و نقیض موافقت دلالت دارد. از منظر ریشه‌شناختی، «خالف» به عنوان مصدر باب مفاعله، بیانگر ضدیت و عدم سازگاری است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۸۴). در متون کهن نیز «الْخِلاف» به معنای «المضادة» تعریف شده و عباراتی نظیر «خَالَفَهُ مُخَالَفَةً وَ خِلَافًا» بر این مفهوم تأکید دارند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۹۰). بنابراین، «مخالف» به موجودیتی اطلاق می‌شود که نسبت به چیز دیگر، موضعی ناسازگار و متضاد اتخاذ کند (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۹۰۷). در تحلیل ترکیب «مخالفان حکومت»، با توجه به ماهیت دوگانه این مفهوم، لازم است هر جزء به صورت جداگانه بررسی شود. با تکیه بر تعریف پیشین «مخالف» و مفهوم «حکومت» به عنوان قدرت قاهره و ساختارمند جامعه، می‌توان «مخالفان حکومت» را افراد، گروه‌ها یا نهادهایی دانست که با این قدرت حاکم در موضع ناسازگاری و عدم موافقت قرار دارند «مخالفت سیاسی» را می‌توان فعالیت‌ها یا ساختارهای سازمان‌یافته‌ای تعریف کرد که هدفشان نقد، اصلاح یا تغییر سیاست‌ها، قوانین یا نظام حاکم است. این فعالیت‌ها ممکن است از طریق نهادهای قانونی مانند مجلس، جریان‌های اجتماعی نظیر تظاهرات، یا جنبش‌های فراسازمانی مانند احزاب و شبکه‌های مدنی شوند.

۱-۲. انواع نقد و مخالفت

در بررسی فقهی-حقوقی تعامل حکومت با منتقدان داخلی، شناخت دقیق مفهوم و

انواع مخالفت سیاسی از اهمیت اساسی برخوردار است. مخالفت سیاسی پدیده‌ای چندوجهی است که از جنبه‌های مختلف قابل تحلیل است. در ادبیات فقهی-سیاسی اسلام، تعیین مرزهای انواع مخالفت و حدود آن، مبنای تنظیم حقوق و تکالیف متقابل حکومت و شهروندان قرار می‌گیرد. مخالفان حکومت اسلامی در یک تقسیم‌بندی کلان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، صص ۱۴۷-۱۴۸). مخالفان داخلی، شهروندانی هستند که در چارچوب مرزهای جغرافیایی حکومت اسلامی با سیاست‌ها یا ساختارهای حکومتی مخالفت می‌کنند، در حالی که مخالفان خارجی، افراد یا گروه‌هایی هستند که از خارج از این مرزها به مخالفت می‌پردازند. از منظر موضوع مخالفت نیز می‌توان به دو دسته مخالفان سیاسی و مخالفان دینی-مذهبی اشاره کرد. مخالفان سیاسی کسانی هستند که در مسائل حکومتی و سیاسی با اصول و خطوط کلی نظام اسلامی همسو نیستند، در مقابل، مخالفان دینی-مذهبی در مسائل اعتقادی و مذهبی با دین یا مذهب رسمی حکومت اختلاف دارند. این تقسیم‌بندی‌ها در تعیین چارچوب حقوقی تعامل با مخالفان نقش کلیدی دارند. با توجه به اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها و الزام رعایت حقوق بین‌الملل، بحث حقوق و وظایف متقابل حکومت و مخالفان عمدتاً بر مخالفان داخلی متمرکز است. شناخت دقیق این مرزبندی‌ها و توجه به مبانی فقهی-حقوقی آن، پیش‌نیاز تحلیل جامع درباره حقوق مخالفان در نظام سیاسی اسلام و به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران است (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۸۹-۹۰).

۱-۳. مرزبندی نقد مشروع و نامشروع

مرزبندی میان نقد مشروع و نامشروع در ادبیات فقهی-حقوقی، به تعیین حدود انتقاد از حکومت اسلامی اشاره دارد و چارچوبی برای تفکیک انتقادات سازنده از اقدامات مخرب و براندازانه ارائه می‌دهد. درک این مرزبندی در بررسی تعامل حکومت با منتقدان داخلی از اهمیت اساسی برخوردار است. نقد مشروع در اندیشه اسلامی، ریشه در اصل امر به معروف و نهی از منکر دارد و به‌عنوان یک حق و تکلیف شرعی شناخته

می‌شود. این نوع نقد با هدف اصلاح امور و تحقق مصالح عمومی انجام می‌شود (شجاعی زند، بی‌تا، ص ۱۲۵). ویژگی‌های نقد مشروع از منظر فقهی شامل هدف اصلاحی، تکیه بر واقعیت‌ها، رعایت ادب و احترام، توجه به مصالح عمومی و پرهیز از تفرقه است. در مقابل، نقد نامشروع به انتقاداتی اطلاق می‌شود که از چارچوب‌های شرعی و قانونی خارج شده و اهدافی مانند تضعیف نظام، تشویش اذهان عمومی یا خدمت به منافع بیگانگان را دنبال می‌کند. این نوع نقد شامل تهمت، افترا، تحریک به خشونت، تضعیف ارکان نظام و همکاری با دشمنان است. در سیره شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، این مرزبندی با دقت ترسیم شده است. ایشان ضمن تأکید بر حق انتقاد و آزادی بیان، نقد سازنده را لازم دانسته، اما نقدی که به تضعیف نظام یا خدمت به اهداف دشمن منجر شود، نامشروع تلقی کرده‌اند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز، این مرزبندی در قوانین منعکس شده است. اصل بیست و چهارم قانون اساسی، آزادی بیان را تضمین کرده، اما آن را به عدم اخلال در مبانی اسلام و حقوق عمومی مقید ساخته است. قوانین موضوعه مانند قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی نیز چارچوب‌های قانونی نقد را مشخص کرده‌اند. درک صحیح این مرزبندی، با توجه به مقتضیات زمان و مصالح عمومی، تکلیف حکومت در مواجهه با منتقدان و نقش نظارتی شهروندان را روشن می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶).

۲. مبانی فقهی نقد حاکمیت

۲-۱. جایگاه نقد در فقه سیاسی

نقد حاکمیت در اندیشه فقهی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و نه تنها به‌عنوان یک حق، بلکه در مواردی به‌عنوان تکلیف شرعی مطرح است. در نگرش فقهی، حاکم اسلامی امانت‌دار مردم و مجری احکام الهی است؛ از این‌رو، عملکرد او باید تحت نظارت و ارزیابی قرار گیرد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۲۳). مبنای این دیدگاه، آموزه‌های قرآنی و روایی است. قرآن کریم در آیاتی مانند «وَأَقْرَبُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) و «وَأَشْرَاهُمْ فِي الْأُمْرِ» (آل‌عمران، ۱۵۹) بر مشورت تأکید دارد که زمینه‌ساز نقد و ارزیابی

است. در سیره پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام نیز انتقادپذیری مشهود است؛ امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «فَلَا تَكْفُؤْا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ»، که بر حق نقد تأکید دارد. اصل امر به معروف و نهی از منکر نیز از مبانی کلیدی نقد حاکمیت است (آل عمران، ۱۱۰) و شامل همه افراد، از جمله حاکمان، می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴). همچنین، حدیث «الدِّينُ النَّصِيحَةُ... لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ» خیرخواهی و نصیحت به حاکمان را جزء دین می‌داند که می‌تواند شامل نقد سازنده باشد. در فقه سیاسی شیعه، مفهوم ولایت فقیه با نظارت و نقد پیوند دارد. هر چند ولی فقیه اختیارات گسترده‌ای دارد، این اختیارات در چارچوب موازین شرعی و مصلحت عمومی تعریف می‌شود. فقها تأکید دارند که نظارت بر حاکم، از انحراف جلوگیری می‌کند. از منظر فقهی، نقد باید مبتنی بر حقیقت، به دور از تهمت، با هدف اصلاح و بدون تضعیف نظام اسلامی باشد. فقها میان نقد سازنده و تخریب که به براندازی منجر می‌شود، تمایز قائل شده‌اند. در تاریخ اسلام، نمونه‌های متعددی از نقد حاکمیت توسط علما و فقها وجود دارد. امام حسین علیه السلام در قیام خود علیه یزید، نقد حاکمیت را به عالی‌ترین شکل به نمایش گذاشت. همچنین، علمایی چون شیخ انصاری، میرزای شیرازی، و امام خمینی علیه السلام در دوران معاصر، با نقد حاکمیت‌های زمان خود، نقش مهمی در اصلاح جامعه ایفا کردند (واعظی، ۱۳۸۳، ص ۴۰). در جمع‌بندی، نقد حاکمیت در فقه سیاسی اسلام نه تنها مجاز، بلکه در شرایطی واجب است. این نقد، ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد و هدف آن حفظ مصالح امت و جلوگیری از انحراف است، مشروط بر اینکه در چارچوب اصول شرعی انجام شود.

۲-۲. حدود شرعی نقد حکومت

حدود شرعی نقد حکومت در اندیشه فقهی اسلام بر مفهوم «حق» استوار است که در فقه اسلامی به معنای سلطه یا اختیار شرعی بر چیزی تعریف می‌شود. میرزای نائینی، از فقهای برجسته شیعه، حق را سلطه ضعیف بر مال یا منفعت دانسته که نشان‌دهنده اختیار شرعی افراد در جامعه، از جمله در نقد، با مراتب مختلف است (نائینی، ۱۳۷۳ق، ص

۱۰۶). از منظر حقوقی نیز، حق به‌عنوان امتیازی قانونی که از سوی قانون تضمین شده، تعریف می‌شود و این جنبه قانونی حق نقد را تأیید می‌کند. نخستین حد شرعی نقد حکومت، مبتنی بر حقیقت بودن آن است. با توجه به معنای لغوی «حق» که به ثبوت و تحقق اشاره دارد و در مقابل باطل قرار می‌گیرد، نقد باید بر پایه واقعیت‌ها و به‌دور از تهمت و افترا باشد. همچنین، با الهام از معنای فقه به‌عنوان آگاهی اجتهادی به احکام شرعی و دقت و موشکافی در آن (طوسی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ صاحب‌معالم، بی‌تا، ص ۲۶)، نقد حکومت باید با دقت و عمق انجام شود و از سطحی‌نگری پرهیز گردد حد شرعی دیگر، رعایت مصلحت عمومی است. حکومت به‌عنوان قدرت تنظیم‌کننده امور داخلی و پاسدار تمامیت ارضی و منافع ملی تعریف می‌شود؛ از این‌رو، نقد نباید به تضعیف این وظایف اساسی منجر شود و باید در راستای تقویت و بهبود عملکرد حکومت اسلامی باشد. همچنین، نقد باید با هدف اصلاحی و به‌دور از انگیزه تخریب یا براندازی صورت گیرد که این امر تفاوت میان نقد سازنده و تخریب را مشخص می‌کند (خلخالی، ۱۳۷۷، ص ۱۸). حد شرعی بعدی، رعایت ادب و احترام است. همان‌گونه که اسلام به معنای انقیاد در برابر اوامر الهی است، نقد حکومت اسلامی نیز باید با رعایت ادب و در چارچوب موازین شرعی انجام شود. در نهایت، حدود شرعی نقد حکومت در فقه اسلامی، چارچوبی را فراهم می‌کند که ضمن به رسمیت شناختن حق نقد به‌عنوان یکی از حقوق شهروندان، آن را مشروط به رعایت ضوابط شرعی و هدف اصلاحی می‌داند تا از تضعیف نظام اسلامی جلوگیری شود.

۲-۳. آزادی بیان از منظر فقه

در فقه اسلامی، آزادی بیان به‌عنوان امتیازی شرعی تلقی می‌شود که از طریق استنباط و برهان‌های تفصیلی به فرد اعطا شده و امکان اظهارنظر و نقد منطقی را در حوزه عقاید و اندیشه‌ها فراهم می‌کند. این حق، هم امتیازی برای بیان انتقاد سازنده است و هم مسئولیتی برای استفاده از آن در چارچوب مبانی شرعی و اخلاقی به همراه دارد

(خسروشاهی و دانش پژوه، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹). آزادی بیان در نظام فقهی، ضمن حفظ توازن میان منافع فردی و جمعی، به عنوان ابزاری برای پیوند عقل و دین، زمینه ساز نقد سازنده و اصلاح امور است، مشروط بر اینکه به نظم اجتماعی و ارزش های دینی آسیب نرساند. از منظر فقهی، آزادی بیان مستلزم درک دقیق و تحلیل عمیق است، مشابه آنچه در تعریف فقه به عنوان فهم موشکافانه کلام الهی آمده است (هروی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۲۶). این حق، فراتر از ابراز ساده عقیده، فرایندی است که فرد را ملزم به بررسی دقیق معانی و آثار گفتار خود با استناد به ادله شرعی می کند. در نتیجه، آزادی بیان در فقه اسلامی، هم حق و هم وظیفه ای مسئولانه است که باید در راستای تبیین ارزش های فردی و اجتماعی و با رعایت اصول شرعی اعمال شود. در سیره پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام، آزادی بیان در مواجهه با مخالفان و منتقدان از طریق مناظره و گفت و گو نمود یافته است. این سیره نشان دهنده پذیرش اظهار عقیده حتی از سوی مخالفان و تأکید بر آزادی منطقی بیان است (مصباح بزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵). قرآن نیز بیان را به عنوان مظهري از رحمت الهی معرفی کرده و جایگاه والای قلم را در پیشرفت جامعه انسانی برجسته می سازد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۲۸). در نظام اسلامی، آزادی بیان و قلم برای مخالفان داخلی، در چارچوب مصالح کلی حکومت، جایگاهی ویژه دارد. فقها تأکید دارند که این آزادی برای همه شهروندان و گروه های سیاسی، به ویژه در مسائل اجتماعی و سیاسی، مجاز است، مشروط بر اینکه به منافع نظام آسیب نرساند (منتظری نجف آبادی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۵). امام خمینی ره نیز بر وجود آزادی بیان و قلم برای همه، اعم از موافق و مخالف، تأکید کرده اند. با این حال، برای جلوگیری از سوء استفاده و حفظ مشروعیت نظام، ضوابطی برای این آزادی ها ضروری است (خمینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۶۲). در نهایت، آزادی بیان در فقه اسلامی، حقی بنیادین و وظیفه ای مسئولانه است که با رعایت اصول شرعی و مصالح عمومی، به اصلاح و پیشرفت جامعه اسلامی کمک می کند. این دیدگاه، ضمن ارج نهادن به آزادی عقیده و بیان، بر استفاده آگاهانه و هدفمند از آن در چارچوب نظام اسلامی تأکید دارد.

۳. اندیشه و سیره امام خامنه‌ای شهید رحمت‌الله علیه در تعامل با منتقدان

۳-۱. اصول و ارزش‌های حاکم

در اندیشه و سیره رهبری، تعامل با منتقدان بر اساس اصول و ارزش‌های مشخصی پایه‌گذاری شده است که در این جا ما به بیان و تحلیل برخی از این اصول خواهیم پرداخت.

الف. تفکیک میان نقد و تخریب

شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در تبیین مرزهای مفهومی میان نقد و تخریب، چارچوبی نظری ارائه می‌دهند که می‌تواند مبنای تحلیل گفتمان نقد سازنده در مطالعات علمی قرار گیرد. در این دیدگاه، نقد به‌عنوان عیب‌جویی سازنده با ماهیتی اصلاح‌گراانه تعریف می‌شود، در حالی که تخریب به «ویران‌سازی و فروپاشی بنا» تشبیه شده است. این تمایز مفهومی، ارزش‌گذاری متفاوتی را رقم می‌زند: نقد به‌عنوان خدمتی ارزشمند و تخریب به‌مثابه خیانت به نظام و منافع ملی تلقی می‌گردد چالش‌کلیدی در این گفتمان، تعیین مرز دقیق میان نقد و تخریب است که دو مسئله اساسی را مطرح می‌کند: نخست، احتمال سوءاستفاده از نقد برای مقاصد تخریبی، و دوم، برداشت نادرست از نقد سازنده به‌عنوان تخریب. برای رفع این دوگانگی، رهبری معیاری روشن ارائه می‌دهند: نقد، ارزشیابی منصفانه توسط فردی متخصص است که با آگاهی و انصاف انجام می‌شود (شهید آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲) استعاره «زرگر و آهنگر» که از این بیانات برداشت می‌شود، تمثیلی گویا برای تبیین نقد کارشناسانه است. زرگر، به‌عنوان متخصص، با دانش و ابزار مناسب، عیار طلا را می‌سنجد و ضمن اذعان به ارزش آن، کاستی‌هایش را نیز بیان می‌کند. در مقابل، آهنگر، به‌عنوان غیرمتخصص، بدون صلاحیت و ابزار لازم، ارزش ذاتی موضوع را نادیده گرفته و آن را نفی می‌کند. این تمثیل، دو مؤلفه اساسی نقد سازنده را برجسته می‌سازد: تخصص منتقد و پذیرش ارزش ذاتی موضوع مورد نقد. این چارچوب نظری، با تأکید بر انصاف، تخصص، سازندگی و احترام به ارزش‌های بنیادین، معیاری عینی برای تمایز نقد از تخریب ارائه می‌دهد.

ب. اهمیت آزادی بیان در چارچوب قانون و اخلاق

رهبر انقلاب اسلامی در بررسی جایگاه آزادی بیان، بر ضرورت و اهمیت آن در چارچوب قانون و اخلاق تأکید دارند. آزادی و استقلال به عنوان دو شعار بنیادین انقلاب اسلامی، در این گفتمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. ایشان با صراحت اعلام می‌دارند که آزادی فکر، بیان و انتخاب در کشور به صورت گسترده‌ای تأمین شده است. با این حال، برخی افراد با سوءاستفاده از این فضا، مدعی فقدان آزادی در ایران می‌شوند. این ادعاها اغلب از سوی رسانه‌های بیگانه و جریان‌های تبلیغاتی خارجی تقویت و بازتاب داده می‌شود. رهبر انقلاب تأکید می‌کنند که این ادعاها نادرست بوده و هیچ فردی به دلیل داشتن عقاید مخالف با نظام تحت فشار یا تهدید قرار نمی‌گیرد. به گفته ایشان، افرادی که مدعی فشار به دلیل عقایدشان هستند، سخن ناصحیحی مطرح می‌کنند. در عمل، افراد و گروه‌های مختلف می‌توانند نظرات خود را از طریق رسانه‌ها آزادانه ابراز کنند. آزادی بیان در هر جامعه‌ای دارای چارچوب‌ها و حدود مشخصی است که باید رعایت شود. در ایران، این چارچوب‌ها بر اساس قانون اساسی و قوانین ملی الهام گرفته از شریعت اسلامی تعریف شده‌اند. آزادی به معنای نادیده گرفتن قانون یا اصول دینی نیست و انتظار چنین آزادی‌ای غیرمنطقی است. این رویکرد، مشابه بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، تعادل میان حقوق فردی و منافع جمعی را حفظ می‌کند. در نتیجه، آزادی بیان در ایران به عنوان یک حق اساسی به رسمیت شناخته شده است. این آزادی در چارچوب‌های قانونی و اخلاقی جریان دارد و از ارزش‌های جامعه صیانت می‌کند. (نک. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱)

۲-۳. شیوه‌های عملی مواجهه با منتقدان

شیوه‌های عملی شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در تعامل با منتقدان را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد:

الف. پذیرش و استقبال از انتقاد سازنده

رهبر انقلاب اسلامی در دیدارهای متعدد با دانشجویان، نخبگان و مسئولان، بر

اهمیت پذیرش انتقاد سازنده تأکید کرده‌اند. ایشان انتقاد دلسوزانه را نشانه تعهد به نظام و جامعه می‌دانند و آن را فرصتی برای اصلاح و پیشرفت تلقی می‌کنند. این رویکرد، نقد را به‌عنوان ابزاری برای تقویت گفتمان عمومی و ارتقای عملکرد نهادها معرفی می‌کند. به‌عنوان مثال، در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۶/۰۶/۲۵)، دانشجویی با صراحت انتقادی تند نسبت به برخی سیاست‌ها مطرح کرد. رهبری با آرامش و لبخند پاسخ دادند: «صراحت شما در بیان نظرات ارزشمند است و ما از این رویکرد استقبال می‌کنیم». این واکنش، نه تنها نشان‌دهنده فرهنگ نقدپذیری است، بلکه الگویی عملی برای تعامل سازنده با منتقدان ارائه می‌دهد. برای تقویت این دیدگاه، می‌توان افزود که چنین نگرشی، با ترویج فضای باز برای بیان نظرات، به تقویت اعتماد عمومی و مشارکت فعال جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک می‌کند. این رویکرد، چارچوبی روشمند برای نهادینه‌سازی فرهنگ نقد سازنده در سطوح مختلف اجتماعی فراهم می‌آورد.

ب. پاسخ‌گویی شفاف و منطقی

رهبر انقلاب اسلامی در مواجهه با انتقادهای، رویکردی شفاف و استدلالی اتخاذ می‌کنند که مبتنی بر منطق، تبیین شرایط و ارائه اطلاعات دقیق است. این شیوه پاسخ‌گویی، با تشریح دلایل تصمیم‌گیری‌ها و شرایط موجود، به رفع ابهامات و تقویت اعتماد عمومی کمک می‌کند. به‌عنوان مثال، در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت دولت دوازدهم (۱۴۰۰/۰۵/۰۶)، ایشان در پاسخ به انتقادهای مطرح‌شده درباره مذاکرات هسته‌ای و مسائل اقتصادی، با تبیین فشارهای خارجی، محدودیت‌های داخلی و ضرورت برخی تصمیمات، به روشنگری پرداختند. این رویکرد نه تنها به شفافیت در گفتمان انتقادی کمک می‌کند، بلکه الگویی برای پاسخ‌گویی مسئولانه ارائه می‌دهد. برای تقویت این دیدگاه، می‌توان افزود که چنین پاسخ‌هایی، با ایجاد فضای گفت‌وگوی منطقی، به کاهش سوء تفاهم‌ها و تقویت همگرایی در جامعه منجر می‌شود.

این روش، چارچوبی علمی و عملی برای مدیریت انتقادات و ارتقای فرهنگ پاسخ‌گویی در سطح کلان فراهم می‌آورد.

ج. بررسی انتقادات در چارچوب نظام و پرهیز از شخصی‌سازی

رهبر انقلاب اسلامی با رویکردی کلان‌نگر، انتقادات را به شخص خود نسبت نمی‌دهند و آن‌ها را در چارچوب مسئولیت‌های نظام و آرمان‌های انقلاب بررسی می‌کنند. این نگرش، از تبدیل انتقادات به منازعات شخصی جلوگیری کرده و گفتمان انتقادی را به سطحی سازنده و هدفمند ارتقا می‌دهد. به‌عنوان مثال، در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۵/۰۶/۰۳)، ایشان در پاسخ به انتقادهای مطرح‌شده درباره عملکرد نظام، به جای دفاع شخصی، از کلیت نظام و ارزش‌های انقلابی دفاع کردند. این رویکرد، الگویی برای مدیریت انتقادات در سطح کلان ارائه می‌دهد. برای تقویت این دیدگاه، می‌توان افزود که چنین نگرشی، با حفظ وحدت و انسجام اجتماعی، زمینه‌ساز تعامل سازنده میان منتقدان و مسئولان می‌شود. این شیوه، چارچوبی علمی برای تحلیل انتقادات و تقویت فرهنگ نقدپذیری در جامعه فراهم می‌آورد.

۴. حقوق منتقدان در نظام حقوقی ایران

۴-۱. حقوق منتقدان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان سند بنیادین حقوقی کشور، در اصول متعدد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از حقوق منتقدان در چارچوب آزادی بیان و عقیده حمایت می‌کند. اصل ۲۳ صراحتاً تفتیش عقاید را ممنوع کرده و تأکید دارد که هیچ‌کس نباید به دلیل داشتن عقیده‌ای، مورد تعرض یا مؤاخذه قرار گیرد. این اصل، به‌طور غیرمستقیم، از حق منتقدان برای ابراز نظرات مخالف حمایت می‌کند. اصل ۲۴ آزادی مطبوعات و نشریات را به رسمیت می‌شناسد، مشروط به اینکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشد، و بستری برای طرح انتقادات از طریق رسانه‌ها فراهم می‌آورد.

اصل ۲۷ نیز حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز را تضمین می‌کند، به شرط عدم حمل سلاح و رعایت مبانی اسلام، که امکان بیان انتقادات در قالب گردهمایی‌های مدنی را فراهم می‌سازد. همچنین، اصل ۹ با تأکید بر حفظ آزادی‌های مشروع، هرگونه سلب این حقوق به بهانه استقلال یا تمامیت ارضی را ممنوع می‌داند و به طور غیرمستقیم از حقوق منتقدان پشتیبانی می‌کند. با وجود این حمایت‌های قانونی، قیودی نظیر «عدم تخطی از مبانی اسلام» و «حقوق عمومی» در برخی اصول، امکان تفسیرهای متفاوت را ایجاد کرده و در عمل ممکن است به محدودیت‌هایی برای منتقدان منجر شود. برای تقویت این تحلیل، می‌توان افزود که شفاف‌سازی این قیود از طریق قوانین عادی و رویه‌های قضایی می‌تواند به تقویت حقوق منتقدان و کاهش ابهامات کمک کند. این اصول، در مجموع، چارچوبی حقوقی برای تضمین حقوق منتقدان ارائه می‌دهند، اما اجرای مؤثر آن‌ها نیازمند تبیین دقیق‌تر و اجماع بر تفسیرهای حقوقی است.

۲-۴. حقوق منتقدان در سیاست‌های کلی نظام

سیاست‌های کلی نظام، ابلاغی توسط شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، به عنوان راهنمایی کلان برای قانون‌گذاری و اجرای سیاست‌ها، نقش کلیدی در تعیین حقوق شهروندان، از جمله حقوق منتقدان، ایفا می‌کنند. در حوزه رسانه، این سیاست‌ها بر تقویت رسانه‌های مستقل و ایجاد فضای نقد و گفت‌وگو تأکید دارند. بند ۳ سیاست‌های رسانه‌ای بر «تکریم حق آزادی بیان و انسداد فضای باز تبادل اندیشه‌ها در رسانه‌های رسمی و مجازی» و بند ۷ بر «ضمانت حقوق روزنامه‌نگاران و منتقدان حرفه‌ای از نظر امنیت قضایی و صنفی» تمرکز دارد (شهید آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۷/۱۹). در حوزه حقوق شهروندی نیز، ماده ۲۵ بر ممنوعیت تفتیش عقاید و ماده ۲۶ بر حق آزادی بیان تأکید کرده و دولت را مکلف به تضمین این حق در عرصه‌های مختلف از جمله فضای مجازی و رسانه‌ها می‌داند (سیاست‌های کلی حقوق شهروندی، ۱۳۹۵، ص ۴). این سیاست‌ها، نقد سازنده را ابزاری برای اصلاح و مشارکت اجتماعی تلقی کرده و رویکردی مثبت به آن

دارند، اما با تأکید بر چارچوب‌های قانونی، منافع ملی و حدود شرعی، محدودیت‌هایی را نیز اعمال می‌کنند. این محدودیت‌ها در قوانین مرتبط نظیر قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و قانون احترام به آزادی‌های مشروع (۱۳۸۳) نیز منعکس شده‌اند. برای تقویت این تحلیل، می‌توان افزود که ابهام در تفسیر این چارچوب‌ها ممکن است به محدودیت‌های عملی برای منتقدان منجر شود، از این رو، تبیین دقیق‌تر این حدود از طریق رویه قضایی و تحلیل تطبیقی با نظام‌های حقوقی دیگر ضروری است. در مجموع، سیاست‌های کلی نظام ضمن به رسمیت شناختن حقوق منتقدان، این حقوق را در چارچوب‌هایی مشروط قرار داده‌اند که نیازمند بررسی‌های عمیق‌تر برای اجرای مؤثر است.

۳-۴. حقوق منتقدان در قوانین موضوعه ایران

نظام حقوقی ایران از طریق قوانین موضوعه متعدد، حقوق منتقدان را در چارچوب آزادی بیان و نقد به رسمیت شناخته، هرچند این حقوق با محدودیت‌هایی نظیر حفظ مبانی اسلام، منافع عمومی و امنیت ملی مشروط شده‌اند. قانون مطبوعات (۱۳۶۴) در ماده ۶، آزادی نشر مطالب را تضمین کرده و تنها انتشارات محل به مبانی اسلام یا منافع عمومی را ممنوع می‌داند. ماده ۲۴ این قانون، حق نقد منصفانه و مبتنی بر واقعیت را برای روزنامه‌نگاران به رسمیت می‌شناسد و ماده ۲۵ با الزام توقیف نشریات به حکم هیأت منصفه، از اقدامات خودسرانه علیه منتقدان جلوگیری می‌کند. قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در ماده ۳۵، حق دسترسی متهمان، از جمله منتقدان سیاسی و مطبوعاتی، به وکیل را از آغاز تحقیقات مقدماتی تضمین می‌کند و حمایت حقوقی از حقوق دفاعی آن‌ها ارائه می‌دهد. همچنین، ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی با تأکید بر حفظ حریم خصوصی، به‌طور غیرمستقیم از منتقدان در برابر تعرض به حقوق شخصی حمایت می‌کند. در فضای مجازی، قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۸۸) در ماده ۱۷، انتشار مطالب را آزاد می‌داند، مشروط به عدم تخطی از مبانی اسلام یا حقوق شهروندی، هرچند تفسیر این محدودیت‌ها توسط هیأت نظارتی ممکن است ابهاماتی ایجاد کند. اصل ۲۵ قانون

اساسی و مواد ۹۱ تا ۹۴ قانون اصول محاکمات جزایی نیز با حمایت از محرمانگی ارتباطات، فضایی امن برای بیان انتقادهای فراهم می‌آورند. برای تقویت این تحلیل، می‌توان افزود که ابهام در تفسیر محدودیت‌ها و نبود معیارهای روشن برای اجرا، گاه به محدودیت عملی حقوق منتقدان منجر می‌شود. در نتیجه، قوانین عادی ایران ضمن حمایت از حقوق منتقدان، با اعمال محدودیت‌هایی، تعادلی شکننده ایجاد کرده‌اند که نیازمند بررسی دقیق‌تر رویه قضایی و اصلاحات قانونی برای رفع چالش‌های موجود است.

۵. تحلیل تطبیقی فقه و قانون و راهکارها

۱-۵. نقاط اشتراک و افتراق

اشتراک: فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران هر دو کرامت انسانی و حقوق اساسی شهروندان، اعم از موافقان و مخالفان، را به‌عنوان اصول محوری مورد تأکید قرار می‌دهند و این اشتراک، مبنای رویکرد آن‌ها در تنظیم روابط اجتماعی است. در فقه اسلامی، با استناد به سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، حقوق مخالفان شامل امنیت، آزادی بیان مشروط و کرامت انسانی تضمین شده، مشروط به عدم توطئه علیه جامعه اسلامی (اسماعیلی فرد و مصطفائی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷). این رویکرد، با تأکید بر مدارا و رحمت، نه تنها به دنبال حفظ نظم اجتماعی است، بلکه هدایت و اصلاح مخالفان را از طریق تعامل اخلاقی در اولویت قرار می‌دهد. به موازات این، نظام حقوقی ایران بر اساس اصول ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی، آزادی اندیشه و بیان را به رسمیت شناخته و با ممنوعیت تفتیش عقاید، از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مخالفان حمایت می‌کند، البته با قید عدم تعارض با مبانی اسلامی یا منافع عمومی (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵). این شرط نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل میان آزادی فردی و نظم عمومی است. تحلیل این اشتراکات نشان می‌دهد که هر دو نظام، عدالت و انصاف را در تعامل با مخالفان اصل قرار داده‌اند؛ فقه اسلامی با تکیه بر رفتار رحیمانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر جنبه‌های تربیتی و اخلاقی تمرکز دارد، در حالی که نظام حقوقی ایران با تضمین دادرسی عادلانه و حق دفاع، رویکردی قانونی

و قضایی را دنبال می‌کند. هدف مشترک آن‌ها، تأمین امنیت اجتماعی، پاسداشت حقوق اساسی و تحقق عدالت است که بیانگر همسویی در راستای ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر کرامت انسانی و تعامل سازنده است. این همسویی، به‌رغم تفاوت در روش‌ها (اخلاقی در فقه و قانونی در نظام حقوقی)، نشان می‌دهد که هر دو نظام به دنبال مدیریت اختلاف‌نظرها به گونه‌ای هستند که از تبدیل آن‌ها به تنش‌های اجتماعی جلوگیری شود و زمینه برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فراهم گردد.

افتراق: با وجود اشتراکاتی همچون تأکید بر کرامت انسانی و حفظ امنیت و حقوق اساسی مخالفان، تفاوت‌های بنیادینی میان فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران در این زمینه وجود دارد. رویکرد فقه اسلامی مبتنی بر شرایط و مصالح جامعه اسلامی است؛ در این چارچوب، برخورد با مخالفان انعطاف‌پذیر بوده و محدودیت‌های شدیدی تنها در مواقعی که امنیت جامعه به طور جدی به خطر بیفتد، اعمال می‌شود. این رویکرد ناشی از تکیه بر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است که در آن، خواستار هدایت و اصلاح مخالفان از طریق گفت‌وگو و تبیین حقایق می‌باشد؛ بدین ترتیب، مرزهایی برای اشتعال دشمنی و توطئه ترسیم شده که در صورت عدم عبور از آن، حق امنیت و آزادی بیان مشروط و کرامت انسانی محفوظ می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، صص ۱۲۳-۱۲۴). در مقابل، نظام حقوقی ایران محدودیت‌ها را از طریق قوانین مدون مانند قانون مطبوعات و قانون جرائم رایانه‌ای تعریف و تنظیم کرده است. این قوانین، به واسطه تفسیرهایی که گاه به صورت گسترده صورت می‌گیرند، می‌توانند محدودیت‌های بیشتری را برای مخالفان به همراه داشته باشند. به علاوه، در حالی که نظام حقوقی ایران بر ضمانت‌های قضایی و قانونی نظیر دادرسی عادلانه و حق دفاع تأکید می‌کند، جنبه‌های اصلاحی و تربیتی در برخورد با مخالفان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در فقه اسلامی کرامت اجتماعی مخالفان غیربرانداز به عنوان یک اصل اخلاقی و دینی برجسته شناخته می‌شود؛ این کرامت در تعاملات مبتنی بر گفت‌وگو و تبیین حقایق موجب هدایت و اصلاح مخالفان می‌شود. اما در نظام حقوقی ایران، توجه به کرامت مخالفان گاهی تحت تأثیر تفسیرهای متفاوت از منافع ملی و امنیت عمومی قرار می‌گیرد و ممکن

است به طور کامل محقق نشود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۹) این تفاوت‌ها نشانگر رویکردهای زیرساختی متفاوت در نحوه مدیریت و برخورد با مخالفان در دو نظام است؛ رویکردی که در فقه اسلامی بر مبنای ارزش‌ها و اخلاق دینی و اصلاح از طریق گفت‌وگو تکیه دارد و رویکردی که نظام حقوقی ایران از طریق چارچوب‌های قانونی و قضایی جهت تأمین امنیت اجتماعی و نظم عمومی به مسأله می‌نگرد.

۲-۵. چالش‌های موجود

در نظام فقهی و حقوقی ایران، تعامل حکومت با مخالفان داخلی با چالش‌هایی مواجه است که از منظر مفهومی، رویه‌ای و اجرایی قابل تحلیل‌اند. این چالش‌ها، به دلیل تأثیراتشان بر تحقق حقوق مخالفان و ایجاد تعادل میان آزادی فردی و نظم اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای دارند. در این جا به بررسی و تحلیل چالش‌ها خواهیم پرداخت

۱-۲-۵. ابهام در تفسیر مفاهیم محدودکننده حقوق مخالفان

یکی از چالش‌های اساسی در نظام فقهی و حقوقی ایران، ابهام در تفسیر مفاهیمی نظیر «مخل به مبانی اسلام» و «منافع عمومی» است که به‌عنوان محدودیت‌هایی برای حقوق مخالفان در متون فقهی و قوانین ایران، از جمله قانون اساسی، مطرح شده‌اند. این مفاهیم، به دلیل فقدان تعاریف دقیق و معیارهای مشخص، زمینه‌ساز تفسیرهای گسترده و گاه متعارض شده‌اند. چنین ابهامی می‌تواند به اعمال محدودیت‌هایی فراتر از اهداف اولیه منجر شود و حقوق مخالفان را تضعیف کند (موسوی‌خواه، ۱۳۷۷، ص ۴۱). برای مثال، نبود چارچوب‌های روشن برای تعیین مصادیق «مخل به مبانی اسلام» ممکن است به تفسیرهای سلیقه‌ای در محاکم قضایی یا نهادهای نظارتی منجر شود، که نتیجه آن محدود شدن آزادی بیان یا اندیشه منتقدان غیربرانداز است. این چالش، از منظر مفهومی، به کاهش شفافیت حقوقی و از منظر اجرایی، به نقض احتمالی کرامت انسانی و عدالت در تعامل با مخالفان می‌انجامد، که با اصول مشترک فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران در تضاد است.

۵-۲-۲. کم‌توجهی به رویکردهای اصلاحی در نظام حقوقی

چالش دیگر، غلبه رویکردهای تنبیهی بر اصلاحی در نظام حقوقی ایران است، که با سیره فقهی در تضاد قرار می‌گیرد. در فقه اسلامی، بر اساس سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، تعامل با مخالفان بر هدایت‌گری، گفت‌وگو و اصلاح متمرکز است، به گونه‌ای که هدف، بازگرداندن مخالفان به جامعه و کاهش تنش‌ها از طریق تبیین حقایق است (منتظری، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۷۸). با این حال، در نظام حقوقی کنونی، سازوکارهای قضایی و تنبیهی غالب بوده و استفاده از رویکردهای آموزشی و تربیتی کمتر مشاهده می‌شود. این گرایش، برخلاف اهداف اصلاحی فقه، بر مجازات و محدودیت تمرکز دارد، که می‌تواند به افزایش شکاف میان حکومت و مخالفان منجر شود. از منظر رویه‌ای، این چالش به کاهش اعتماد اجتماعی و از منظر اجرایی، به محدود شدن فرصت‌های تعامل سازنده با منتقدان می‌انجامد، که نتیجه آن تضعیف هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تحقق عدالت اجتماعی است.

۵-۲-۳. عدم تمایز کافی میان مخالفان برانداز و غیربرانداز

چالش سوم، عدم رعایت تمایز میان مخالفان برانداز و غیربرانداز در عمل است، در حالی که فقه اسلامی این تمایز را به وضوح به رسمیت می‌شناسد. در فقه، مخالفان غیربرانداز، که انتقادات سازنده ارائه می‌دهند، از حقوقی مانند امنیت و آزادی بیان مشروط برخوردارند، در مقابل، مخالفان برانداز که امنیت جامعه را تهدید می‌کنند، با محدودیت‌های بیشتری مواجه‌اند. اما در نظام حقوقی ایران، این تمایز گاه نادیده گرفته شده و منتقدان غیربرانداز ممکن است تحت محدودیت‌هایی مشابه با براندازان قرار گیرند. این امر، به ناهنجاری‌های حقوقی مانند نقض اصل تناسب در مجازات‌ها و کاهش حمایت از حقوق مخالفان منجر می‌شود. از منظر اجرایی، این چالش می‌تواند به کاهش فضای انتقاد سازنده و از منظر رویه‌ای، به تضعیف اعتماد عمومی به نظام قضایی منجر شود، که با هدف مشترک فقه و نظام حقوقی برای ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و تعامل سازنده مغایرت دارد.

چالش‌های مذکور، از ابهام در مفاهیم محدودکننده تا کم‌توجهی به رویکردهای اصلاحی و عدم تمایز میان انواع مخالفان، موانع مهمی در مسیر تحقق حقوق مخالفان در نظام فقهی و حقوقی ایران ایجاد کرده‌اند. این چالش‌ها، با تضعیف شفافیت حقوقی، کاهش اعتماد اجتماعی و محدود شدن تعامل سازنده، از تحقق اهداف مشترک این دو نظام، یعنی ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر کرامت انسانی، عدالت و نظم اجتماعی، جلوگیری می‌کنند. رفع این موانع نیازمند تدوین معیارهای دقیق برای مفاهیم حقوقی، تقویت رویکردهای اصلاحی و رعایت تمایز میان مخالفان در سیاست‌گذاری‌ها و رویه‌های قضایی است (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، صص ۱۴۷-۱۴۸).

۳-۵. ظرفیت‌ها و راهکارهای قانونی

نظام فقهی و حقوقی ایران ظرفیت‌های مفهومی، قانونی و اجرایی متعددی برای بهبود تعامل با مخالفان داخلی ارائه می‌دهد که می‌توانند به‌عنوان راهکارهایی مؤثر برای کاهش تنش‌ها، تقویت گفت‌وگوی سازنده و تحقق عدالت اجتماعی عمل کنند. این ظرفیت‌ها، با تکیه بر اصول مشترک فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران، نظیر کرامت انسانی، عدالت و نظم اجتماعی، قابلیت تبدیل شدن به ابزارهایی عملیاتی برای مدیریت اختلاف‌نظرها را دارند. در ادامه، هر یک از این ظرفیت‌ها با تحلیل عمیق‌تر بررسی شده و چگونگی نقش آن‌ها به‌عنوان راهکارهای عملیاتی تشریح می‌شود.

الف. کرامت انسانی به‌عنوان ظرفیت فقهی و راهکار اخلاقی-حقوقی

فقه اسلامی، با استناد به منابع معتبر، بر حفظ کرامت انسانی مخالفان غیربرانداز تأکید دارد و هرگونه تحقیر، توهین یا رفتار غیراخلاقی علیه آنان را منع می‌کند (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۲۴۳). این اصل، ریشه در آیات قرآنی (مانند آیه ۱۱ سوره حجرات) و سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد که بر رفتار رحیمانه حتی با مخالفان تأکید می‌ورزد. از منظر فقهی، کرامت انسانی نه تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه یک الزام شرعی است که به حفظ هویت و شخصیت افراد در چارچوب نظم اجتماعی کمک می‌کند. این ظرفیت،

به‌عنوان راهکار، می‌تواند از طریق تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های مشخص برای جلوگیری از رفتارهای تحقیرآمیز در فرآیندهای قضایی، رسانه‌ای و اجتماعی عملیاتی شود. برای مثال، ایجاد پروتکل‌هایی برای رفتار مأموران انتظامی یا قضات در مواجهه با منتقدان می‌تواند از نقض کرامت انسانی جلوگیری کند. تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که این راهکار، با کاهش احساس طردشدگی در مخالفان، به تقویت اعتماد اجتماعی و ایجاد فضایی برای نقد سازنده کمک می‌کند. علاوه بر این، تأکید بر کرامت انسانی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار پیشگیرانه عمل کند که از تبدیل اختلاف‌نظرها به تنش‌های اجتماعی یا سیاسی جلوگیری کرده و زمینه را برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌سازد.

ب. آزادی‌های مشروع در قانون اساسی به‌عنوان ظرفیت دموکراتیک

اصول ۲۳، ۲۴ و ۲۷ قانون اساسی ایران، آزادی اندیشه، بیان و اجتماعات را به‌عنوان حقوقی بنیادین تضمین کرده‌اند که فراتر از حقوق فردی، به‌عنوان ابزارهایی برای مشارکت فعال در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی عمل می‌کنند. این ظرفیت، ریشه در اصل حاکمیت مردم و ضرورت مشارکت شهروندان در اداره امور عمومی دارد. با این حال، ابهام در حدود این آزادی‌ها، به‌ویژه در ارتباط با مفاهیمی مانند «مخل به مبانی اسلام» یا «منافع عمومی»، گاه اجرای آن‌ها را با چالش مواجه کرده است. به‌عنوان راهکار، شفاف‌سازی این حدود از طریق تدوین قوانین تکمیلی و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل، مانند شوراهای تخصصی برای بررسی مصادیق محدودیت‌ها، می‌تواند اثربخشی این ظرفیت را افزایش دهد. تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که این راهکار، با کاهش تفسیرهای سلیقه‌ای، به ایجاد فضایی امن برای بیان انتقادات سازنده کمک می‌کند و از سوءاستفاده از مفاهیم مبهم جلوگیری می‌نماید. (واعظی، ۱۳۸۳، ص ۹۸) علاوه بر این، تقویت این ظرفیت می‌تواند به ترویج فرهنگ دموکراتیک منجر شود، جایی که مخالفان نه تنها به‌عنوان تهدید، بلکه به‌عنوان عواملان بهبود نظام اجتماعی دیده شوند. این رویکرد، با افزایش مشارکت مدنی، به کاهش تنش‌های ناشی از احساس سرکوب و تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کند.

ج. ضمانت‌های قضایی به‌عنوان ظرفیت حقوقی برای عدالت

نظام حقوقی ایران در قوانین آیین دادرسی کیفری و قانون مطبوعات، ضمانت‌هایی نظیر حق دفاع، دادرسی عادلانه و نظارت هیئت منصفه را پیش‌بینی کرده است که به‌عنوان ستون‌های اصلی حمایت از حقوق مخالفان عمل می‌کنند. این ضمانت‌ها، با تضمین دسترسی به عدالت، می‌توانند از اعمال محدودیت‌های غیرمنصفانه یا تفسیرهای خودسرانه قوانین جلوگیری کنند. به‌عنوان راهکار، تقویت سازوکارهای اجرایی و نظارتی، مانند آموزش تخصصی قضات در زمینه حقوق بشر و ایجاد نهادهای مستقل برای نظارت بر اجرای این ضمانت‌ها، می‌تواند این ظرفیت را عملیاتی‌تر کند. تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که این راهکار، با افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام قضایی، به کاهش بی‌اعتمادی مخالفان به نهادهای حکومتی کمک می‌کند. برای مثال، تقویت نقش هیئت منصفه در پرونده‌های مطبوعاتی می‌تواند به‌عنوان یک مکانیزم نظارتی، از صدور احکام غیرمنصفانه علیه منتقدان جلوگیری کند. این ظرفیت، با ایجاد فضایی عادلانه برای رسیدگی به پرونده‌های مخالفان، نه تنها حقوق آن‌ها را حفظ می‌کند، بلکه به ارتقای اعتبار نظام حقوقی در نزد جامعه کمک می‌کند.

د. گفت‌وگو و اصلاح به‌عنوان ظرفیت اصلاحی و راهکار تربیتی

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بر استفاده از گفت‌وگوی سازنده و تبیین حقایق برای هدایت و اصلاح مخالفان تأکید دارد، رویکردی که در فقه اسلامی به‌عنوان یک اصل تربیتی شناخته می‌شود. این ظرفیت، با تمرکز بر اصلاح به‌جای مجازات، به کاهش تنش‌ها و تقویت تعاملات سازنده کمک می‌کند. به‌عنوان راهکار، ایجاد بسترهای قانونی و نهادی برای گفت‌وگو، مانند تشکیل شوراهای مشورتی با حضور نمایندگان مخالفان یا پلتفرم‌های رسمی برای تبادل نظر، می‌تواند این ظرفیت را عملیاتی کند. (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۲۸۹) تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که این راهکار، با تغییر پارادایم از تقابل به تعامل، می‌تواند شکاف‌های اجتماعی را کاهش دهد. برای مثال، ایجاد برنامه‌های گفت‌وگوی ملی با حضور نخبگان و منتقدان می‌تواند به تبیین دیدگاه‌ها و

کاهش سوء تفاهم‌ها کمک کند. این ظرفیت، با ترویج فرهنگ مدارا و نقدپذیری، نه تنها به کاهش رویکردهای تنبیهی کمک می‌کند، بلکه به عنوان یک ابزار پیشگیرانه، از تشدید اختلافات به سمت تنش‌های سیاسی یا اجتماعی جلوگیری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که نظام حقوقی ایران، با تکیه بر مبانی فقه سیاسی اسلام و اصول قانون اساسی (مانند اصول ۲۳، ۲۴ و ۲۷)، ظرفیت‌های قابل توجهی برای تعامل سازنده با مخالفان داخلی فراهم کرده است. فقه اسلامی با تأکید بر کرامت انسانی، گفت‌وگوی اخلاقی و اصلاح به جای تقابل، چارچوب‌هایی نظری و عملی مبتنی بر آیات قرآنی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام ارائه می‌دهد. همچنین، سیره شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه، با تأکید بر استقبال از نقد سازنده و پاسخ‌گویی منطقی، الگویی کارآمد برای مدیریت اختلاف نظرها عرضه می‌کند. با این حال، چالش‌هایی نظیر ابهام در تفسیر حدود آزادی‌ها، کمبود بسترهای نهادی گفت‌وگو و غلبه رویکردهای تنبیهی بر اصلاحی، تحقق کامل این ظرفیت‌ها را با موانعی مواجه کرده است. مرزبندی میان نقد مشروع و نامشروع، با معیارهایی چون هدف اصلاحی و رعایت مصالح عمومی، چارچوبی روشن برای تفکیک انتقاد سازنده از اقدامات مخرب فراهم می‌آورد. برای غلبه بر چالش‌ها، پیشنهاد می‌شود مفاهیم محدودکننده آزادی‌ها شفاف‌سازی شده، ضمانت‌های قضایی تقویت گردد و بسترهای رسمی برای گفت‌وگوی اجتماعی ایجاد شود. بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت‌ها می‌تواند نظام حقوقی ایران را به الگویی موفق در مدیریت اختلاف نظرها و تقویت انسجام ملی تبدیل کند، مشروط بر بازخوانی مستمر منابع فقهی و تعهد به اصول اخلاقی و حقوقی در تعامل با مخالفان.

منابع

* قرآن کریم.

ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴ق). معجم مقائیس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار الفکر للطباعة.

اسماعیلی فرد، ملیحه سادات؛ محمد، مصطفائی هرسینی. (۱۳۹۳). حقوق و حدود مخالفان در نظام اسلامی با بررسی سیره حکومت داری پیشوایان معصوم علیهم السلام و امام خمینی رحمته الله علیه. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

سیاست های کلی حقوق شهروندی (منشور حقوق شهروندی). تاریخ ابلاغ آذر ۱۳۹۵.

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۰۶/۱۵). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. پایگاه اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۰۶/۰۲). بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت. پایگاه اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۰۱/۰۱). بیانات رهبر انقلاب در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی. پایگاه اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸/۰۹/۰۱). دیدار دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف. پایگاه اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۶/۰۲/۲۵). دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. پایگاه اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵/۰۶/۰۳). دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت. پایگاه اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۰۵/۰۶). دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت دولت دوازدهم. پایگاه

اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳/۰۷/۱۹). سیاست‌های کلی رسانه. پایگاه اطلاع رسانی شهید

سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۶/۰۳/۰۸). بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس

شورای اسلامی. پایگاه اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵/۰۶/۰۳). بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت.

پایگاه اطلاع رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۰۲/۱۱). بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان. پایگاه اطلاع

رسانی شهید سیدعلی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلووم. بیروت: دار

الفکر المعاصر.

خسروشاهی، قدرت‌الله؛ دانش‌پژوه، مصطفی. (۱۳۸۳). فلسفه حقوق (چاپ هشتم). قم: مرکز

انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

خلخال، سیدمحمد مهدی موسوی. (۱۳۷۷). شریعت و حکومت. قم: مرکز انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی، قم.

امام خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۸۸). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

طوسی، ابو جعفر، محمدبن حسن. (۱۴۰۷ق). عدة الاصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صاحب معالم. (بی تا). معالم الدین و ملاذ المجتهدین. قم: مؤسسه الفقه للطباعة والنشر.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی (چاپ چهارم). تهران: انتشارات امیر کبیر.

قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن (چاپ ششم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۳). حقوق و سیاست در قرآن (نگار شهید محمد شهبازی). قم:

انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۷). حکومت و مشروعیت، کتاب نقد، سال دوم.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۰). نظریه حقوقی اسلام (تحقیق و نگار: محمد مهدی نادری قمی، محمد مهدی کریمی نیا). قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹). رهبران بزرگ. تهران: انتشارات نسل نو اندیش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب اسلامی.
- منتظری نجف آبادی، حسینعلی. (۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی (مترجم: محمود صلواتی و شکوری). قم: مؤسسه کیهان.
- منتظری نجف آبادی، حسینعلی. (بی تا). رساله استفتاءات منتظری. قم.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (۱۴۲۷ق). فقه الحدود و التعزیرات. قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید رحمه الله.
- موسوی خواه، سیدرضا. (۱۳۷۷). آزادی مطبوعات، شماره نهم، تهران، نشریه حقوق و اجتماع.
- نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۳ق). منیه الطالب (نگارش: نجفی خوانساری). تهران: المکتبه المحمدیه.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۳). حکومت اسلامی. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- هروی، ابو عبید. (۱۴۱۹ق). الغریبین فی القرآن و الحدیث. مکه مکرمه: مکتبه نزار مصطفی الباز.